

کتاب مراثی ارمیا

آمار حیاتی:

هدف:

تعلیم دادن این نکته که ناطاعتی از خدا به معنی استقبال از مصیبت است؛ و اینکه خدا همراه با رنج قومش، رنج می کشد

نویسنده:

ارمیا

تاریخ نگارش:

مدت کوتاهی پس از سقوط اورشلیم در سال ۵۸۶ ق.م.

محل وقوع رویدادها:

اورشلیم به دست بابلی ها ویران شده بود و مردمش یا کشته شده یا شکنجه دیده یا به اسارت برده شده بودند.

آیه کلیدی:

«چشمانم از گریه تار شده است. از دیدن مصیبتی که بر سر قوم آمده، غمی جانکاه وجودم را فرا گرفته است. کودکان و شیرخوارگان در کوچه های شهر از حال رفته اند» (ارمیا ۲: ۱۱).

شخصیت های مهم:

ارمیا و مردم اورشلیم

مکان های مهم:

اورشلیم

جنبه های خاص:

سه عنصر اندیشه عبری در این کتاب به چشم می خورد یعنی نبوت، آیینهای مذهبی، و حکمت. کتاب مراثی با وزن و قافیه و سبک نوحه سرایی های یهودیان باستان نوشته شده است. این کتاب شامل پنج قطعه شعر است که هر یک در یک فصل از کتاب آمده است (به توضیح مربوط به ۱:۳ ببین نگاه کنید).

تعریف ساده اشک چنین چیزی است: «قطرات مایعی نمکین که از چشم جاری می شود.» اشک می تواند در اثر تحریک چشم یا خنده جریان یابد؛ اما اشک معمولاً مرتبط است با اندوه و درد و گریه. وقتی می گرییم، دوستانمان جویای ماجرا می شوند و می کوشند تسلی مان دهند. نوزادان برای خوراک گریه می کنند، کودکان به خاطر از دست دادن اسباب بازی شان، و بزرگسالان آنگاه که با مصیبت یا مرگ روبرو می شوند.



ارمیا را «پیامبر گریان» نامیده اند. اشکهای او از قلبی شکسته ناشی می شد. او در مقام سخنگوی خدا، می دانست که چه بلایی بر سر زادگاهش یعنی سرزمین یهودا، و بر اورشلیم، پایتخت یهودا و «شهر خدا» خواهد آمد. او می دانست که داوری خدا نازل شده، ویرانی خواهد آمد. از این رو ارمیا می گریست. گریه او به خاطر مسائل یا مصائب شخصی نبود. او می گریست زیرا قوم اسرائیل خدا را رد کرده بودند، خدایی را که ایشان را به وجود آورده بود، محبتشان کرده بود، و بارها کوشیده بود که برکنشان دهد. دل او شکسته بود زیرا می دانست که خودخواهی و گناهکاری مردم باعث رنج فراوان و در نهایت تبعید طولانی شان خواهد شد. اشکهای ارمیا اشک ترحم و همدردی بود. دل او را همان مسائلی شکسته بود که دل خدا را می شکنند.

هر دو کتاب ارمیا به یک مسأله واحد می پردازد: ویرانی اورشلیم. کتاب ارمیا این ویرانی را پیشگویی می کند و کتاب مراثی به تحقق آن در گذشته می نگرد. کتاب مراثی همانطور که از نامش پیدا است، کتابی است حاوی مرثیه و اشک؛ نوحه ای است برای شهر ویران اورشلیم.

آنچه که باعث گریه فرد می شود، نشان می دهد که او چگونه شخصی است: خودمحور است یا خدامحور. کتاب مراثی بیان می دارد که چه مسائلی ارمیا را اندوهگین می ساخت. او در مقام خادم برگزیده خدا، در عمق اندوه خود، در عشقش به انسان، در علاقه اش به ملتش، و در شیفتگی اش به خدا، تنهای تنها می ایستد.

اشکهای شما برای چه چیزهایی جاری می شود؟ آیا برای اینکه به شخصیتان اهانت شده، یا به خاطر اینکه اطرافیان در حق خدایی که عمیقاً دوستشان دارد گناه می ورزند و ردش می کنند؟ آیا برای اینکه چیزی را از دست داده اید که باعث شادی و لذتتان می شد، یا برای اینکه مردم اطرافتان به خاطر گناهانشان عذاب خواهند دید؟ دنیای ما پر از بی عدالتی و فقر و جنگ و طغیان علیه خدا است؛ همگی اینها باید ما را به گریه وادارند. کتاب مراثی را بخوانید تا بیاموزید که شریک شدن در اندوه خدا به چه معنا است.

تقسیم‌بندی کلی:

ارمیا عمیقاً به خاطر ویرانی اورشلیم و اضمحلال ملتش غصه می‌خورد. اما در نیمه کتاب، در عمق اندوهش، نور امید می‌تابد. شفقت خدا همواره شامل حال بشر است. وفاداری او عظیم است. ارمیا پی می‌برد که ملتش اگر به کلی از میان نرفته، فقط به خاطر رحمت خداوند بوده است. در این کتاب می‌بینیم که عواقب گناه تا چه حد وخیم است و اینکه چگونه می‌توانیم در مصائب، هنوز امیدوار باشیم، چرا که خدا قادر است آنها را به خیریت ما بدل سازد. اهمیت بی‌قیاس دعا و اعتراف به گناه به روشنی در این کتاب مشاهده می‌شود. همه ما در زندگی خود با مصائب و مشکلات مواجه می‌شویم. اما باید بدانیم که در بحبوحه آنها، در خدا امید هست.

- ۱- ارمیا برای اورشلیم ماتم می‌گیرد (۱:۱-۲۲)
- ۲- غضب خدا بر گناه (۱:۲-۲۲)
- ۳- امید در کشاکش مصائب (۱:۳-۶۶)
- ۴- غضب خدا فرو می‌نشیند (۱:۴-۲۲)
- ۵- ارمیا درخواست تفقد می‌کند (۱:۵-۲۲)

موضوع‌های مهم

موضوع

ویرانی اورشلیم

کتاب مراثی مرثیه‌ای است اندوهبار برای پایتخت بزرگ یهودیان. معبد بزرگ ویران شده است، پادشاه به اسارت رفته، و ملت در تبعید به سر می‌برد. خدا به قوم اسرائیل هشدار داده بود که اگر از او اطاعت نکنند، ایشان را از میان خواهد برد. اینک پس از نزول مجازات، مردم متوجه خطای خود شده‌اند و به گناهان خود اعتراف می‌کنند.

اهمیت موضوع

هشدارهای خدا تحقق یافته‌اند. خدا آنچه را که فرموده، به عمل می‌آورد. او قطعاً گناه را مجازات خواهد کرد. فقط زمانی می‌توانیم از او طلب رهایی کنیم که گناهان خود را اعتراف کرده، از آنها دست بکشیم. پس چه بهتر که این کار را زمانی بکنیم که هنوز هشدارهایش به مرحله عمل در نیامده‌اند.

عواقب گناه

خدا از عصیان طولانی قومش خشمگین است. گناه علت بدبختی‌شان است و ویرانی نتیجه گناهشان. ویرانی ملت بیانگر بطالت فخر و غرور بشر است.

ادامه دادن عصیان علیه خدا به معنی دعوت از مصیبت است. هیچگاه نباید به رهبری و امکانات و هوش و قدرت خود بیش از خدا اعتماد کنیم. اگر بکنیم، سرانجامی همچون اورشلیم در انتظارمان خواهد بود.

رحمت خدا

حتی هنگامی که بنی اسرائیل به دست فاتحین بابلی دچار مصیبت شدند، شفقت و رحمت خدا در حال عمل کردن بود. گرچه ایشان به خدا وفادار نمانده بودند، امانت و وفاداری خدا عظیم بود. او از این مصیبت استفاده کرد تا قومش را به سوی خود باز گرداند.

خدا همواره به قومش وفادار خواهد ماند. او حتی در بحبوحه مصائب نیز نسبت به انسان رحیم است و دست‌اندرکار اصلاح او. در چنین مواقعی باید از او طلب بخشایش کنیم و بخواهیم که ما را از مصیبت رهایی دهد.

امید

رحمت خدا که سبب نجات عده‌ای از قوم اسرائیل شده بود، این امید را در دلها زنده می‌کند که روزهای بهتری در پیش است. یک روز قوم خدا به رابطه‌ای راستین و عمیق با خدا هدایت خواهند شد.

فقط خدا می‌تواند ما را از گناه رهایی دهد. بدون او هیچ تسلی و امیدی برای آینده وجود ندارد. از آنجا که مسیح در راه گناهان ما مرد و وعده داده که باز می‌گردد، می‌توانیم برای فردای خود امیدی داشته باشیم.

۱- ارمیا برای اورشلیم ماتم می‌گیرد

اورشلیم که زمانی پرجمعیت بود اینک متروک شده است! شهری که در بین قومها محبوب بود اینک بیوه گشته است! او که ملکه شهرها بود اینک برده شده است!

اورشلیم تمام شب می‌گرید و قطره‌های اشک روی گونه‌هایش می‌غلطد. از میان یارانش یکی هم باقی نمانده که او را تسلی دهد. دوستانش به او خیانت کرده و همگی با او دشمن شده‌اند.

مردم مصیبت‌زده و رنج‌دیده یهودا به اسارت رفته‌اند؛ به دیار غربت تبعید شده‌اند و اینک هیچ آسایش ندارند. دشمنان، آنها را احاطه نموده عرصه را بر آنها تنگ کرده‌اند.

دیگر کسی به خانه خدا نمی‌آید تا در روزهای عید عبادت کند. دخترانی که سرود می‌خواندند اینک عزادارند، و کاهنان تنها آه می‌کشند. دروازه‌های شهر، متروک شده و اورشلیم در ماتم فرو رفته است.

دشمنانش بر او غلبه یافته کامیاب شده‌اند. خداوند اورشلیم را برای گناهان بسیاریش تنبیه کرده است. دشمنان، فرزندان او را اسیر کرده، به دیار غربت به بردگی برده‌اند.

تمام شکوه و زیبایی اورشلیم از دست رفته است. بزرگانش مانند غزالهای گرسنه دنبال چراگاه می‌گردند و ناتوانتر از آنند که بتوانند از چنگ دشمن فرار کنند.

اینک اورشلیم در میان مصیبت‌ها، روزهای پر شکوه گذشته را به یاد می‌آورد. زمانی که او به محاصره دشمن درآمد، هیچ مدد کننده‌ای نداشت؛ دشمن او را مغلوب کرد و به شکست او خندید.

اورشلیم گناهان بسیاری مرتکب شده و ناپاک گردیده است. تمام کسانی که او را تکریم می‌کردند، اینک تحقیرش می‌کنند، زیرا برهنگی و خواری او را دیده‌اند. او می‌نالند و از شرم، چهره خود را می‌پوشاند.

لکه ننگی بر دامن اورشلیم بود، اما او اعتنایی نکرد؛ او به عاقبت خود

۱:۱

اش ۲:۲۲

ار ۷:۳۱؛ ۹:۴۰

۲:۱

ار ۲۵:۲۵؛ ۲۰:۲۲-۲۲

میکا ۵:۷

۳:۱

لاو ۳۹:۲۶

تث ۶۴:۲۸-۶۷

۲ پاد ۴:۲۵ و ۵

۴:۱

ار ۱۱:۹؛ ۲۲:۱۰

مراثی ۷:۶-۷

یول ۱۳-۸:۱

۵:۱

مز ۷:۹ و ۸

جز ۱۸ و ۱۷:۹؛ ۱۰ و ۹:۹

۶:۱

مز ۱۳:۱۳۲

ار ۱۸:۱۳

۷:۱

ار ۷:۳۷

مراثی ۱۷:۴

۸:۱

اش ۲:۵۹-۱۳

مراثی ۱۵:۱

۹:۱

مز ۲۳:۷۴

اش ۸:۳

ار ۱۷:۱۳ و ۱۸

۲:۱ کلمه *یاران* اشاره‌ای است به ملت‌هایی همچون مصر که یهودا از آنان کمک خواسته بود. وقتی بابلی‌ها به اورشلیم نزدیک می‌شدند، یهودیان به جای درخواست کمک از خدا، به سایر ملت‌ها متوسل شدند.

۹:۱ هشدار الهی واضح بود: کسی که با آتش بازی کند، خواهد سوخت. اورشلیم به این هشدار توجهی نکرد و گمان می‌برد که زندگی فاسدش مجازاتی به همراه نخواهد داشت. عاقبت نهایی گناه، مجازات است (رومیان ۶:۲۳).

۱۹:۱ این مرثیه ارمیای نبی برای ویرانی اورشلیم است. ملت یهودا شکستی سخت خورده و معبد ویران گشته و بسیاری از مردم اورشلیم به بابل به اسارت رفته بودند. ارمیا برای رنج و خفت قومش اشک می‌ریخت، اما اشک‌های او فراتر از این نیز می‌رفت. او می‌گریست زیرا خدا قوم اسرائیل را به خاطر عصیان‌شان رد کرده بود. این کتاب هر سال خوانده می‌شد تا به یهودیان یادآوری شود که شهر بزرگشان در اثر عصیان سرسختانه‌شان ویران شده است.

نیاندیشید و ناگهان سقوط کرد. اینک کسی نیست که او را تسلی دهد. او از خداوند رحمت می‌طلبد، زیرا دشمن بر او غالب آمده است.

۱۰:۱
مز ۸-۴:۷۴
اش ۱۱۰:۵۶
ار ۵۱:۵۱

۱۰ دشمن، گنجینه‌های او را غارت کرد و قوم‌های بیگانه در برابر چشمانش به عبادتگاه مقدسش داخل شدند، قوم‌هایی که خدا ورود آنها را به عبادتگاهش قدغن کرده بود.

۱۱:۱
اسمو ۱۲:۳۰
ار ۱۹:۱۵

۱۱ اهالی اورشلیم برای یک لقمه نان آه می‌کشند. هر چه داشتند برای خوراک دادند تا زنده بمانند. اورشلیم می‌گوید: «خداوندا، ببین چگونه خوار شده‌ام!

۱۲:۱
اش ۱۳:۱۳
ار ۲۷:۴۸ ؛ ۱۶:۱۸ ؛ ۸:۴

۱۲ «ای کسانی که از کنارم می‌گذرید، چرا به من نگاه نمی‌کنید؟ نگاهی به من بیندازید و ببینید آیا غمی همچون غم من وجود دارد؟ ببینید خداوند به هنگام خشم خود به من چه کرده است!

۱۳:۱
ایو ۳۰:۳۰ ؛ ۶:۱۹
مز ۱۴:۲۲
ار ۶:۴۴
حب ۱۶:۳

۱۳ «او از آسمان آتش نازل کرد و تا مغز استخوان مرا سوزاند. سر راهم دام گسترده و مرا به زمین کوبید. او مرا ترک گفت و در غمی بی‌پایان رهایم کرد.

۱۴:۱
امت ۲۲:۵
اش ۶:۴۷
ار ۵۳:۳۲
جز ۷:۴۰ ؛ ۲۵:۷

۱۴ «گناهانم را به هم بافت و همچون طنابی بر گردنم انداخت و مرا زیر یوغ بردگی کشاند. تمام توانم را گرفت و مرا در چنگ دشمنانم که قویتر از من بودند رها کرد.

۱۵:۱
اش ۲:۴۱
ار ۱۰:۳۷ ؛ ۲۴:۱۳

۱۵ «خداوند تمام سربازان شجاع مرا از من گرفت. او لشکری برضد من فرا خواند تا جوانان مرا از بین ببرند. خداوند شهر محبوب خود را همچون انگور در چرخشت پایمال کرد.

۱۶:۱
مز ۲۰:۵۹
جا ۱:۴
مراثی ۲:۱

۱۶ «برای این مصیبت‌هاست که می‌گیرم و قطره‌های اشک بر گونه‌هایم می‌غلطد. آن که به من دلداری می‌داد و جانم را تازه می‌ساخت از من دور شده است. دشمن بر من غالب آمده و فرزندانم بی‌کس شده‌اند.

۱۷:۱
پاد ۲-۲:۲۴
اش ۱۵:۱
ار ۳۱:۴

۱۷ «دستهای خود را دراز می‌کنم و کمک می‌طلبم، اما کسی نیست که به دادم برسد. خداوند قوم‌های همسایه را برضد من فرا خوانده و من مورد نفرت آنان قرار گرفته‌ام.

از اسارت گناه، فقط به کمک خدا میسر است. او به ما آزادی می‌بخشد، اما نه آزادی برای انجام هر کاری که می‌خواهیم، بلکه برای آن کارهایی که او برایمان صلاح می‌داند. گرچه ممکن است عجیب به نظر برسد، اما آزادی واقعی در اثر اطاعت از خدا و پیروی از هدایت او حاصل می‌شود؛ بدینسان بهترین‌ها نصیبمان خواهد شد.

۱۶:۱ خدا تسلی‌دهنده است، اما از آنجا که قوم اسرائیل در ورطه گناه غوطه‌ور بودند، خدا می‌بایست از آنان روی گرداند و داوری‌شان کند.

ما نیز می‌توانیم به هشدار خدا بی‌توجه باشیم، اما همانطور که مجازات خدا بر اورشلیم قطعی بود، بر انانی نیز که به او بی‌اعتنایی کنند، چنین خواهد بود. آیا به کلام خدا توجه می‌کنید؟ آیا از آن اطاعت می‌کنید؟ اطاعت نشانه‌ای است مطمئن از عشقتان به او.

۱۴:۱ در نگاه اول، به نظر می‌رسد که گناه نوید آزادی به ارمغان می‌آورد. اما آزادی برای انجام کارهای مورد نظرمان، به تدریج منجر می‌شود به اینکه هر چه دلمان می‌خواهد انجام دهیم. آنگاه اسیر گناه خواهیم شد. آزادی

۱۸ «اما خداوند عادلانه حکم فرموده است، زیرا من از فرمان او سرپیچی کرده بودم. ای مردم جهان، اندوه مرا بنگرید و ببینید چگونه پسران و دخترانم را به اسیری برده‌اند.

۱۹ «از یاران کمک خواستم، اما ایشان به من خیانت کردند. کاهنان و ریش سفیدان در حالی که بدنبال لقمه نانی بودند تا خود را زنده نگه‌دارند، در کوچه های شهر از گرسنگی جان دادند.

۲۰ «ای خداوند، ببین چقدر پریشان و نگرانم! بخاطر گناہانی که انجام داده‌ام جانم در عذاب است. در خانه، بلای کشنده در انتظارم است و در بیرون، شمشیر مرگبار.

۲۱ «مردم ناله‌هایم را می‌شنوند، اما کسی به دادم نمی‌رسد. دشمنانم چون شنیدند چه بلایی بر سرم آوردی، شاد شدند. ای خداوند، به وعده‌ات وفا کن و بگذار دشمنانم نیز به بلای من دچار گردند.

۲۲ «به گناہان آنها نیز نظر کن و همانگونه که مرا برای گناہانم تنبیه کرده‌ای، آنان را نیز به سزای کردارشان برسان. ناله‌های من بسیار و دلم بی‌تاب است.»

۲- غضب خدا بر گناہ

چگونه خداوند اورشلیم را با ابر خشم و غضب خویش پوشانید و جلال آسمانی اسرائیل را تباه کرد. او در روز خشم خود، حتی خانه خویش را به یاد نیاورد.

۲ خداوند به خانه‌های اسرائیل رحم نکرد و تمام آنها را ویران نمود. او قلعه‌های اورشلیم را در هم شکست و اسرائیل را با تمام بزرگانیش بی‌حرمت نمود.

۱۸:۱

تث ۴۱:۳۲:۲۸

۱ سمو ۱۵:۱۴

مز ۷۵:۱۱۹

ار ۱:۱۲

۱۹:۱

ایو ۱۳:۱۹-۱۹

ار ۱۵:۱۴

مراثی ۲:۱ ۲:۲

۲۰:۱

اش ۱۱:۱۶

ار ۱۹:۴

۲۱:۱

مز ۱۵:۳۵

اش ۶:۴۷ ۶:۵۵:۱۴

ار ۱۶:۳۰

۲۲:۱

نج ۵:۴:۴

مز ۸۷:۱۳۷

۱:۲

مز ۷:۱۳۲ ۵:۹۹

اش ۱۱:۶۴

حز ۱۶-۱۴:۲۸

۲:۲

مز ۴۰:۳۹-۸۹ ۹:۲۱

مراثی ۴۳:۳

۲:۱۱ب در فصل اول، ارمیا مصیبت اورشلیم را توصیف کرد و از خدا خواست که از دشمنانش انتقام بگیرد؛ اما در فصل دوم، از قوم خدا می‌خواهد که اگر خواهان رحمت خدا هستند، توبه کنند. مردم می‌بایست از گناہان خود روی گردانند؛ می‌بایست صادقانه برای خطاهایی که در حق خدا انجام داده بودند، بگریند. آنان می‌بایست برای چیزهای بسیاری گریه کنند. ایشان با عصیان سرسختانه خود، موجب رنجهای بسیاری برای همه، خصوصاً برای بی‌گناہان شده بودند. آیا تقصیر این رنجها به گردن خدا بود؟ نه، بلکه تقصیر مردم گمراه بود. مردم گناہکار هلاکت را بر خود وارد آوردند، اما بدبختانه، عواقب گناه گریبان همه را می‌گیرد؛ نیکان و بدان هر دو از آن رنج می‌کشند.

۱۹:۱ یاران یا همپیمانان اورشلیم نمی‌توانستند به کمکشان بشتابند، زیرا آنان نیز همچون اورشلیم، به خدا توسل نمی‌جستند. آنان گرچه نیرومند به نظر می‌رسیدند، اما عملاً ناتوان بودند چرا که خدا با ایشان نبود. کمک قابل اعتماد فقط از همپیمانی می‌آید که قدرتش از خدا باشد. وقتی در جستجوی مشورتی خردمندانه می‌باشید، نزد مسیحیانی بروید که حکمتشان از خدایی حاصل می‌شود که دانای مطلق است.

۲۲:۱ بابل گرچه گناه‌آلود بود، اما وسیله‌ای بود در دست خدا برای داوری یهودا و پایتختش اورشلیم. مردم اورشلیم از خدا درخواست کردند که بابل گناہکار را مجازات کند، همانگونه که ایشان را به مجازات رسانده بود. خدا این کار را در آینده می‌کرد، زیرا قبلاً حکم محکومیت بابل را صادر کرده بود (ر.ش. ارمیا ۵۰:۱-۲۷).

۳:۲ مز ۱۰:۵-۷ اش ۲۵:۴۲ ار ۱۴:۲۱	او به هنگام خشم خود حاکمان اسرائیل را نابود کرد و هنگام حمله دشمن از قوم خود حمایت ننمود. آتش خشم او سراسر خاک اسرائیل را به نابودی کشاند.
۴:۲ ایو ۴:۶-۱۳ ار ۲۰:۷	او مانند یک دشمن، تیر و کمانش را بسوی ما نشانه گرفت و جوانان برومند ما را کشت. او خشم خود را همچون شعله آتش بر خیمه‌های اورشلیم فرود آورد.
۵:۲ ار ۱۳:۵۲ مراثی ۲:۲	بلی، خداوند همچون یک دشمن، اسرائیل را هلاک کرد و قصرها و قلعه‌هایش را ویران نمود و بر غم و غصه ساکنان یهودا افزود.
۶:۲ مراثی ۴:۱ صف ۱۸:۳	او خانه خود را که محل عبادت بود ویران نموده است و دیگر کسی روزهای «سبت» و عیدهای مقدس را گرامی نمی‌دارد. او در شدت خشم خویش پادشاهان و کاهنان را خوار نموده است.
۷:۲ مز ۸-۳:۷۴ اش ۱۱:۶۴ حز ۲۲-۲۰:۷	خداوند قربانگاه خود را واگذارد و خانه خویش را ترک گفت. دیوارهای قصرهای اورشلیم را بدست دشمن داد تا خراب کنند. اینک دشمن در خانه خدا که زمانی در آن عبادت می‌کردیم، فریاد شادی و پیروزی سر می‌دهد.
۸:۲ پاد ۱۳:۲۱ اش ۱۱:۳۴ عا ۹-۷:۷	خداوند قصد نمود حصارهای اورشلیم را در هم بکوبد. او شهر را اندازه‌گیری کرد تا هیچ قسمتش از خرابی در امان نماند؛ و اینک برجها و حصارهای اورشلیم فرو ریخته‌اند.
۹:۲ نح ۳:۱ ار ۱۶:۲۳	دروازه‌های اورشلیم به زمین افتاده‌اند و پشت‌بند‌هایشان شکسته‌اند. پادشاهان و بزرگان اسرائیل به سرزمین‌های دور دست تبعید شده‌اند. دیگر شریعت خدا تعلیم داده نمی‌شود و انبیاء نیز از جانب خداوند رؤیا نمی‌بینند.
۱۰:۲ ایو ۱۳:۲ اش ۲۶:۳ عا ۳:۸ یونس ۸-۶:۳	ریش سفیدان اورشلیم پلاس برتن کرده، خاموش بر زمین نشستند و از شدت غم بر سر خود خاک می‌ریزند. دختران جوان اورشلیم از شرم سر خود را به زیر می‌افکنند.

واقعاً باورش ندارید؟ آیا عشقی را به خدا ابراز می‌دارید که در قلبتان نیست؟ مشتاقانه به دنبال خدا باشید و درک تازه‌ای از محبت و محافظت او به دست آورید. آنگاه او را با تمام دل عبادت کنید.

۹:۲ چهار نماد و منبع امنیت قوم اسرائیل از دست رفته بود: استحکامات شهر؛ تداوم عبادت در خانه خدا؛ تعلیم از شریعت خدا؛ و رؤیای انبیا ایشانش. وقتی این چهار عامل هنوز پا بر جا بود، مردم احساس امنیت کاذبی داشتند و بابت گناهان خود خم به ابرو نمی‌آوردند. اما اکنون که این عوامل از میان رفته بود، مردم در مقابل دو راه قرار داشتند، یا بازگشت به سوی خدا یا ادامه تحمل رنج. هرگز نمادها را، حتی نمادهای خوب را، جایگزین رابطه زنده و شخصی با خود خدا نسازید.

۶:۲ معبد سلیمان پادشاه در اورشلیم مظهر حضور خدا با قوش بود (پادشاهان ۱:۸-۱۱). این معبد مکان مرکزی عبادت بود. ویرانی آن حاکی از آن بود که خدا قوش را رد کرده و دیگر در میان ایشان زندگی نمی‌کند.

۷:۲ مکانی که در آن عبادت می‌کنیم، به اندازه شیوه عبادتمان اهمیت ندارد. ساختمان کلیسا ممکن است زیبا باشد، اما اگر مردمش صمیمانه خدا را پیروی نکنند، از درون به انحطاط کشیده خواهد شد. مردم یهودا با وجود معبد زیبایشان، آن چیزهایی را که در مراسم عبادی‌شان اعلام می‌داشتند، در زندگی روزمره خود زیر پا می‌گذاشتند. لذا عبادتشان تبدیل به دروغی مسخره شده بود. شما به‌هنگام عبادتتان، آیا کلماتی بر زبان می‌رانید که از دلتان بر نمی‌آید؟ آیا برای کمکی دعا می‌کنید که

۱۱ چشمانم از گریه تار شده است. از دیدن مصیبتی که بر سر قوم آمده، غمی جانکاه وجودم را فرا گرفته است. کودکان و شیر خوارگان در کوجه‌های شهر از حال رفته‌اند.

۱۲ آنها مانند مجروحان جنگی در کوجه‌ها افتاده‌اند؛ گرسنه و تشنه، مادران خود را می‌خوانند و در آغوش ایشان جان می‌دهند.

۱۳ ای اورشلیم، غم تو را با غم چه کسی می‌توانم مقایسه کنم؟ چه بگویم و چگونه تو را دلداری دهم؟ زخم تو همچون دریا عمیق است. چه کسی می‌تواند شفایت دهد؟

۱۴ انبیایت به دروغ برای تو نبوت کردند و گناهانت را به تو نشان ندادند. آنها با دادن پیامهای دروغ تو را فریب دادند و باعث اسارتت شدند.

۱۵ اینک هر رهگذری که از کنارت می‌گذرد با استهزاء سر خود را تکان داده می‌گوید: «آیا این است آن شهری که به زیباترین و محبوبترین شهر دنیا معروف بود!»

۱۶ تمام دشمنانت تو را مسخره می‌کنند و با نفرت می‌گویند: «بالاخره نابودش کردیم! انتظار چنین روزی را می‌کشیدیم و آن را با چشمان خود دیدیم.»

۱۷ اما این کار، کار خداوند بود. او آنچه را سالها پیش فرموده بود انجام داد. همانگونه که بارها اخطار کرده بود، به اورشلیم رحم نکرد و آن را از بین برد و باعث شد دشمنانش از خرابی شهر شاد شوند و به قدرتشان ببالند.

۱۸ ای مردم اورشلیم در حضور خداوند گریه کنید؛ ای دیوارهای اورشلیم، شب و روز همچون سیل، اشک بریزید و چشمان خود را از گریستن بازمدارید.

۱۹ شب هنگام برخیزید و ناله‌های دل خود را همچون آب در حضور خداوند بریزید! دستهای خود را بسوی او بلند کنید و برای فرزندانان که در کوجه‌ها از گرسنگی می‌میرند، التماس نمایید!

۲۰ خداوند، این قوم تو هستند که آنها را به چنین بلایی دچار کرده‌ای. ببین

۱۱:۲

ایو ۱۳:۱۶

ار ۱۹:۴

مراثی ۱۹:۲

۱۲:۲

ایو ۱۶:۳۰

مز ۴:۴۲

۱۳:۲

مراثی ۱۲:۱

۱۴:۲

جز ۳۶:۲۳ ؛ ۲۸:۲۵؛ ۲۲

میکا ۸:۳

۱۵:۲

ایو ۲۳:۲۷

مز ۴:۴۸ ؛ ۲:۵۰

ار ۱۶:۱۸

۱۶:۲

مز ۲:۵۶

مراثی ۴۶:۳

عو ۱۲-۱۵

۱۷:۲

تث ۴۴و۴۳:۲۸

مز ۴۲:۸۹

مراثی ۵:۱

۱۸:۲

مز ۱۴۵:۱۱۹

مراثی ۸:۲

هو ۱۴:۷

حب ۱۱:۲

۱۹:۲

اسمو ۱۵:۱

مز ۴۳:۴۲

اش ۲۰:۵۱

۲۰:۲

خرو ۱۱:۳۲

تث ۲۶:۹

مز ۶۴:۷۸

ار ۱۱:۲۳ و ۱۲

مراثی ۱۶:۱۳؛ ۴

قریب الوقوع و اسارت بلندمدت آگاه می‌ساخت و هشدار می‌داد، انبیای دروغین می‌گفتند که اوضاع مملکت امن است و مردم نباید بترسند. اما همه دیدند که تمامی گفته‌های ارمیا درست از آب در آمد، زیرا او نبی راستین خدا بود (ارمیا ۱۴:۱۴-۱۶).

۱۹:۲ رنج و گناه مردم اورشلیم می‌بایست باعث بازگشت ایشان به سوی خدا و گریه برای طلب آمرزش شده باشد. خدا فقط زمانی می‌تواند برای رهایی ما اقدام کند که گناه دل ما را شکسته باشد. اندوهگین بودن برای گناه به تنهایی سبب بخشایش ما نمی‌شود، بلکه باید نزد خدا فریاد بر آوریم تا ما را ببخشد.

۱۱:۲ اشکهای ارمیا صمیمانه و آکنده از شفقت بود. غم به معنای این نیست که ما ایمان و قدرت نداریم. گریستن هیچ اشکالی ندارد؛ حتی عیسی نیز دچار اندوه شد و گریست (یوحنا ۱۱:۳۵). ما در مقابل انحطاط جامعه‌مان و تباهی اخلاقی اطرافمان چه واکنشی نشان می‌دهیم؟ این انحطاط ممکن است به اندازه حمله لشکر دشمن، روشن و آشکار نباشد، اما ویرانی ناشی از آن به همان اندازه قطعی است. ما نیز باید با دیدن انحطاط اطرافمان عمیقاً متأثر شویم.

۱۴:۲ در روزگار ارمیا، انبیای دروغین را همه جا می‌شد یافت. در همان زمان که ارمیا مردم را از ویرانی

چگونه مادران کودکانشان را که در آغوش خود پرورده‌اند، می‌خورند؛ و کاهنان و انبیاء در خانه خداوند کشته می‌شوند.

۲۱:۲
توا ۳۶:۱۷
ار ۱۱:۶

^{۲۱}ببین چگونه پیر و جوان، دختر و پسر، به شمشیر دشمن کشته شده و در کوچه‌ها افتاده‌اند. تو در روز غضبت بر ایشان رحم نکردی و ایشان را کشتی.

۲۲:۲
مز ۳۱:۱۳
اش ۲۴:۱۷ و ۱۸
ار ۴:۱۶-۲

^{۲۲}ای خداوند، تو دشمنانم را بر من فراخواندی و آنها از هر سو مرا به وحشت انداختند. در آن روز غضبت، کسی جان سالم بدر نبرد، تمام فرزندانم که آنها را در آغوش خود پرورده بودم بدست دشمنانم کشته شدند.

۳- امید در کشاکش مصائب

۲۳:۳
ار ۲۳:۴

^۳من کسی هستم که از خشم و غضب خدا مصیبت‌ها دیده‌ام. ^۲خدا مرا به اعماق تاریکی کشانده است. ^۳او بر ضد من برخاسته و دستش تمام روز بر من بلند است.

۴:۳
ار ۱۷:۵۰

^۴او پوست بدنم را فرسوده و استخوانهایم را شکسته است. ^۵جان مرا با تلخی و مشقت پوشانده است. ^۶مرا مانند کسی که سالهاست مرده، در تاریکی نشانده است.

۵:۳
ایو ۱۹:۸
مز ۶۹:۲۱
ار ۲۳:۱۵

^۷با زنجیرهای سنگین مرا بسته و دورم را حصار کشیده است تا نتوانم فرار کنم. ^۸فریاد برمی‌آورم و کمک می‌طلبم، ولی او به دادم نمی‌رسد. ^۹با دیوارهای سنگی راه مرا بسته است و طریق مرا پر پیچ و خم نموده است.

مز ۸۸:۶ و ۷
ار ۴۰:۴

^{۱۰}او در کمین من نشست و مانند شیر بر من هجوم آورد؛ ^{۱۱}مرا به میان بیشه کشانید و پاره‌پاره‌ام کرد و تنها و بی‌کس رهایم ساخت. ^{۱۲}او کمانش را کشید و مرا هدف قرار داد، ^{۱۳}و تیرهایش به اعماق قلبم فرو رفت.

۸:۳
مز ۲۲:۲

^{۱۴}مردم تمام روز به من می‌خندند و مرا مسخره می‌کنند.

۱۱:۳
ایو ۱۲:۱۶ و ۱۷
هو ۱:۶

^{۱۵}او زندگی را به کامم تلخ کرده است. ^{۱۶}صورت‌م را به خاک مالیده است

۱۴:۳
مراثی ۳:۶۳

و هم شاهد رحمت او. ارمیا در زمان داوری می‌توانست کماکان به رحمت خدا متوسل شود، همانگونه که در زمان رفاه و کامیابی، داوری او را اعلام داشته بود.

۱:۳ در متن اصلی عبری، هر بیت از اشعار موجود در هر فصل کتاب، با یکی از حروف الفبا و به ترتیب آن آغاز می‌شود. فصل سوم به‌جای ۲۲ بیت، حاوی ۶۶ بیت است زیرا هر حرف الفبا آغازگر سه بیت است، و نه یک بیت، مانند چهار فصل دیگر کتاب. بنابراین، سه بیت اول با حرف الف آغاز می‌گردد، سه بیت بعدی با حرف ب، و الی آخر. این شکل خاصی از شعر عبری بود. مزامیر ۱۱۹ و ۱۴۵ و امثال ۳۱ نمونه‌های دیگری از اشعار الفبایی هستند.

۲:۲۱، ۲۲ از این صحنه هولناک می‌شد اجتناب کرد. ارمیا سالها به مردم هشدار داده بود که این اتفاق روی خواهد داد، و هنگامی که آن رخ داد، بسیار دلشکسته شد. چقدر تکان‌دهنده است که می‌بینیم بی‌گناهان دچار مصیبت می‌شوند. نظاره‌گران بی‌گناه اغلب قربانی داوری می‌شوند. گناه همیشه به‌نوعی باعث اندوه شدید و خسران بسیاری از مردم می‌گردد.

۳:۱ ارمیا در تاریکترین لحظات زندگی خود، به‌واسطه دو عامل اطمینان‌بخش امیدی استوار یافت: (۱) خدا وفادار بوده و وفادار نیز خواهد ماند، و (۲) تبعیدیون زنده بودند. ارمیا هم شاهد داوری خدا بود

و دهانم را از سنگریزه پر کرده و دندانهایم را شکسته است.^{۱۷} سلامتی و خوشبختی از من رخت بر بسته است.^{۱۸} رmq و امیدوی برایم نمانده، زیرا خداوند مرا ترک گفته است.^{۱۹} وقتی مصیبت و سرگردانی خود را به یاد می‌آورم، جانم تلخ می‌گردد.^{۲۰} بلی، آنها را دائم به یاد می‌آورم و وجودم پیریشان می‌شود.

^{۲۱} اما نور امیدوی بر قلبم می‌تابد، وقتی به یاد می‌آورم که ^{۲۲} رحمت خداوند بی‌زوال است. آری، بسبب محبت اوست که ما تلف نشده‌ایم.^{۲۳} وفاداری خدا عظیم است و رحمت او هر صبح بر ما می‌تابد.^{۲۴} به خود می‌گویم: «من فقط خداوند را دارم، پس به او امید خواهم بست.»^{۲۵} خداوند برای کسانی که به او توکل دارند و او را می‌طلبند نیکوست.^{۲۶} پس خوبست که چشم امیدمان به او باشد و با صبر منتظر باشیم تا خداوند ما را نجات دهد.^{۲۷} خوبست انسان در جوانی بیاموزد که سختیها را تحمل کند.^{۲۸} هنگامی که او دچار مصیبت می‌گردد بهتر آنست که در سکوت و تنهایی بنشیند^{۲۹} و در برابر خداوند سر تعظیم فرود آورد، زیرا ممکن است امیدوی باشد.^{۳۰} وقتی او را می‌زنند و اهانت می‌کنند خوبست آنها را تحمل کند،^{۳۱} زیرا خداوند تا ابد او را ترک نخواهد کرد.^{۳۲} هر چند خدا کسی را اندوهگین کند، اما رحمتش شامل حال او خواهد شد، زیرا محبت او عظیم است.^{۳۳} او از آزردن و غمگین ساختن انسان خشنود نمی‌گردد.

^{۳۴} هنگامی که ستمدیدگان جهان زیر پا له می‌شوند،^{۳۵} و زمانی که حق انسانی که خدای متعال آن را به وی داده است، پایمال می‌گردد،^{۳۶} و هنگامی که مظلومی در دادگاه محکوم می‌شود، آیا خداوند اینها را نمی‌بیند؟^{۳۷} آیا بدون اجازه خداوند هیچ امری واقع می‌شود؟^{۳۸} آیا هم مصیبت و هم برکت از جانب خدای متعال نازل نمی‌شود؟

۱۷:۳
اش ۱۱:۵۹
ار ۱۲:۱۲
۱۸:۳
ایو ۱۵:۱۷
حز ۱۱:۳۷
۲۰:۳
مز ۵۰:۴۲؛ ۵۰:۴۳؛ ۵۰:۴۴
۲۲:۳
مز ۳۸:۷۸
ار ۱۲:۳
ملا ۶:۳
۲۴:۳
مز ۲۶:۷۳
۲۵:۳
اش ۹:۲۵؛ ۹:۲۶

۳۰:۳
ایو ۱۰:۱۶
اش ۶:۵۰
متی ۳۹:۵
۳۱:۳
اش ۱۰:۷؛ ۵۴

۳۶:۳
ار ۳:۲۲
حب ۱۳:۱
۳۸:۳
ایو ۱۰:۲
ار ۴۲:۳۲

دهد؛ ارمیا می‌دانست که خدا این وعده‌اش را نیز عملی خواهد ساخت. اگر هر روز به وفاداری خدا توکل کنیم، اطمینان خواهیم یافت که او به وعده‌های بزرگی که برای آینده داده است، عمل خواهد کرد.

۲۷:۳-۳۳ یادگیری واقعی باید شامل چند عامل مهم باشد: (۱) سکوت آمیخته به تفکر در مورد خواست خدا؛ (۲) فروتنی توأم با روحیه توبه؛ (۳) خویشتنداری در مقابل مشکلات؛ و (۴) بردباری همراه با اعتماد در خصوص این حقیقت که آن معلم بزرگ در سهای پرمهر خود را به ما خواهد آموخت. هم‌اکنون خدا در سهای بلندمدت و کوتاه‌مدت زیادی برای شما دارد. آیا تکالیف خود را برای یادگیری انجام می‌دهید؟

۲۱:۳ در میان تمام گناهان و اندوهی که دور و بر ارمیا را فرا گرفته بود، نور امیدوی بر او تابید: **رحمت خداوند بی‌زوال است**. رحمت و شفقت محبتی است که در عمل دیده می‌شود. وقتی از خدا طلب کمک می‌کنیم، او مشتاقانه پاسخ می‌دهد. شاید در زندگی‌تان گناهانی هست که فکر می‌کردید خدا نخواهد بخشید. رحمت و شفقت خدا بزرگ‌تر از هر گناهی است؛ او وعده داده که گناهان ما را بیخشاید.

۲۳:۳ ارمیا از امانت و وفاداری خدا به‌خوبی آگاهی داشت. خدا وعده داده بود که ناطاعتی از او مجازات در پی خواهد داشت، و چنین نیز شد. اما خدا این وعده را نیز داده بود که قومش را در آینده مورد تفقد و برکت قرار

۳۹ پس چرا وقتی ما انسانهای فانی بسبب گناهانمان تنبیه می‌شویم، گله و شکایت می‌کنیم؟^{۴۰} بجای گله و شکایت بیایید کردار خود را بسنجیم و بسوی خداوند بازگردیم.^{۴۱} بیایید قلبهای خود را برای خدایی که در آسمان است بگشاییم و دستهای خود را بسوی او برافرازیم.^{۴۲} زیرا ما گناه کرده‌ایم و نسبت به او یاغی شده‌ایم و او این شرارت ما را فراموش نکرده است.^{۴۳} ای خدا، تو به هنگام غضب خود ما را تعقیب نموده و هلاک کرده‌ای و رحم ننموده‌ای.^{۴۴} خود را با ابر پوشانیده‌ای تا دعاهای ما بحضور تو نرسد.^{۴۵} ما را مثل خاکروبه و زباله به میان قومها انداخته‌ای.^{۴۶} تمام دشمنانمان به ما توهین می‌کنند.^{۴۷} خرابی و نابودی دامنگیر ما شده و در ترس و خطر زندگی می‌کنیم.

۴۸ و ۴۹ بسبب نابودی قوم، روز و شب سیل اشک از چشمانم جاریست. آنقدر خواهم گریست^{۵۰} تا خداوند از آسمان نظر کند و پاسخ دهد!^{۵۱} هنگامی که می‌بینم چه بر سر دختران جوان اورشلیم آمده است، دلم از اندوه پر می‌شود.^{۵۲} کسانی که هرگز آزارشان نداده بودم، دشمن من شدند و مرا همچون پرنده‌ای به دام انداختند.^{۵۳} آنها مرا در چاه افکندند و سر چاه را با سنگ پوشاندند.^{۵۴} آب از سرم گذشت و فکر کردم مرگم حتمی است.^{۵۵} اما ای خداوند، وقتی از عمق چاه نام تو را خواندم^{۵۶} صدایم را شنیدی و به ناله‌هایم توجه کردی.^{۵۷} آری، هنگامی که تو را خواندم به کمکم آمدی و گفتی: «ترس!»^{۵۸} ای خداوند، تو به دادم رسیدی و جانم را از مرگ رهایی بخشیدی.^{۵۹} ای خداوند، تو ظلمی را که به من کرده‌اند دیده‌ای، پس داوری کن و داد مرا بستان.^{۶۰} دیده‌ای که چگونه ایشان دشمن من شده و توطئه‌ها بر ضد من چیده‌اند.^{۶۱} ای خداوند، تو شنیده‌ای که چگونه به من اهانت کرده و علیه من نقشه کشیده‌اند.^{۶۲} تو از تمام آنچه که مخالفانم هر روز در باره من می‌گویند و نقشه‌هایی که می‌کشند باخبری.^{۶۳} ببین چگونه می‌خندند و شب و روز مرا مسخره می‌کنند.^{۶۴} ای خداوند، ایشان را به سزای اعمالشان برسان.^{۶۵} ایشان را لعنت کن تا غم و تاریکی وجودشان را فراگیرد.^{۶۶} با خشم و غضب آنها را تعقیب کن و از روی زمین محو و نابود گردان.

۳۹:۳
میکا ۲:۷
عبر ۵۵:۱۲ و ۶
۴۰:۳
مز ۱۱۹:۵۹؛ ۱۳۹:۲۴ و ۲۳
۴۲:۲
قرن ۵:۱۳
۴۲:۳
نخ ۲۶:۹
ار ۲۰:۱۴

۴۷:۳
اش ۱۷:۲۴ و ۱۸
ار ۴۳:۴۴ و ۴۴

۵۰:۳
اش ۱۵:۶۳

۵۴:۳
یونس ۳:۲-۵
۵۶:۳
ایو ۲۸:۳۴
مز ۱۱۶:۱؛ ۱۰۵:۵
۵۷:۳

یوش ۱:۶
اش ۱۰۴:۱۴
۵۸:۳
مز ۲۲:۳۴
ار ۵۰:۳۴؛ ۵۱:۳۶

۶۲:۳
حز ۳:۳۶

۶۴:۳
ار ۵۱:۲۴
۶۵:۳
تث ۳۰:۲

۳۹-۴۲:۳ یک بار ارمیا را در چاهی بی‌آب انداختند و او را آنجا رها کردند تا بمیرد (ارمیا ۳۸:۶-۱۳). اما خدا او را رهایی داد. ارمیا از این ماجرا همچون تصویری استفاده می‌کند تا نشان دهد که قوم اسرائیل در چاه گناه افتاده‌اند. اما اگر به‌سوی خدا باز گردند، رهایی خواهند یافت.

۳۹-۴۲:۳ والدین فرزندان خود را تأدیب می‌کنند تا رفتار درست را به آنان بیاموزند. خدا قوم اسرائیل را تأدیب می‌کرد تا زندگی و عبادت درست را در آنان به‌وجود آورد. ما نباید از تأدیب الهی شکایت کنیم بلکه باید با تکیه به خدا و آمادگی برای تغییر، از آن درس بیاموزیم. باید به خدا اجازه دهیم که ما را به‌واسطه تأدیبش به‌سوی آن نوع زندگی رهنمون شود که مورد رضایش می‌باشد.

۴- غضب خدا فرو می‌نشیند

جوانان اورشلیم که زمانی همچون طلای ناب و سنگهای قیمتی،
 ۴ پرارزش بودند، اینک درخشندگی خود را از دست داده، مانند ظروف
 گلی، بی‌ارزش شده‌اند و در کوچه‌ها افتاده‌اند.^۳ حتی شغالها به بچه‌های خود
 شیر می‌دهند، اما قوم من، بنی اسرائیل مانند شترمرغ، بی‌رحم شده و بچه‌های
 خود را ترک کرده است. اُزبان کودکان شیرخواره از تشنگی به کامشان
 چسبیده است؛ بچه‌ها نان می‌خواهند، اما کسی نیست که به ایشان نان بدهد.
 ۵ آنانی که زمانی خوراک لذیذ می‌خوردند، اینک در کوچه‌ها گدایی می‌کنند.
 کسانی که در ناز و نعمت بزرگ شده‌اند، اکنون در میان زباله‌ها دنبال
 خوراک می‌گردند. مجازات قوم من از مجازات اهالی سدوم نیز سنگین‌تر
 است. اهالی سدوم در یک لحظه نابود شدند و بدست انسان اسیر نگشتند.

۶ بدن شاهزادگان ما از برف پاکتر و از شیر سفیدتر بود و صورتشان مانند
 لعل، گلگون و مثل یاقوت، درخشان بود؛^۸ اما اینک چهره‌شان سیاه‌تر از
 دوده شده است و کسی نمی‌تواند آنها را بشناسد. پوستشان به استخوانهایشان
 چسبیده و مثل چوب، خشک شده است.^۹ کسانی که با شمشیر کشته شدند،
 خوشبخت‌تر از کسانی هستند که در اثر فقدان محصول، بتدریج از گرسنگی
 از بین می‌روند.^{۱۰} در زمان محاصره شهر، مادران مهربان از فشار گرسنگی،
 بچه‌هایشان را با دستهای خود پختند و خوردند.

۱۱ خداوند خشم خود را بشدت تمام بر ما ریخت و در اورشلیم چنان آتشی
 بر پا کرد که بنیاد آن را سوزانید.^{۱۲} از پادشاهان و مردم دنیا هیچکس باور
 نمی‌کرد که دشمن بتواند وارد دروازه‌های اورشلیم بشود.^{۱۳} اما چنین شد، زیرا
 انبیاء گناه کرده بودند و کاهنان خون بی‌گناهان را در شهر ریخته بودند.

می‌رفت، مردم دشمنان خود را می‌نگریستند که در مزارع
 غله را درو کرده، می‌خورند. محاصره آزمایش اراده بود
 تا مشخص شود کدامیک از طرفین دیگری را به زانو در
 خواهد آورد. اورشلیم به مدت دو سال تحت محاصره بود.
 زندگی چنان سخت شده بود که مردم حتی فرزندان خود
 را می‌خوردند. جنازه‌ها در خیابانها رها می‌شد تا پوسند.
 دیگر امیدی باقی نمانده بود.

۶:۴ شهر سدوم به‌خاطر شرارتش، با آتشی که از آسمان
 بارید نابود شد (پیدایش ۲۰:۱۸ تا ۲۹:۱۹). این رویداد
 تبدیل به نماد داوری نهایی خدا شد. اما گناه اورشلیم از
 گناه سدوم نیز بزرگتر بود!

۱۳-۱۵:۴ نجس بودن باعث می‌شد که شخص نتواند
 وارد خانه خدا شود و در حضور خدا عبادت کند. کاهنان

۴:۱۱ در این فصل، وضعیت پیش از محاصره با
 وضعیت پس از آن مقایسه شده است. در اثر گناه مردم،
 دیگر صدای شادی و کامیابی شنیده نمی‌شد. این فصل به
 ما هشدار می‌دهد که اگر اوضاع و احوال را بر وفق مراد
 می‌بینیم، تصور نکنیم که وضع همیشه به همین صورت
 باقی خواهد ماند. باید مراقب باشیم که به کامیابی خود
 فخر نکنیم و دچار ورشکستگی روحانی نگردیم.

۱-۱۰:۴ هنگامی که شهری به محاصره در می‌آمد،
 دیوارهای شهر مردم را در درون خود محبوس می‌کرد،
 چرا که برای محافظت ایشان ساخته شده بود. آنان
 نمی‌توانستند از شهر خارج شده، به مزارع بروند و برای
 خود خوراک و آب تهیه کنند، زیرا دشمن در اطراف
 شهر اردو زده بود. وقتی خوراک در شهر رو به اتمام

۱:۴
 ۲ پاد ۲۵:۱۰ و ۲۵:۱۰
 ۲:۴
 اش ۱۴:۳۰
 ار ۱۱:۱۹

۶:۴
 پیدا ۲۵:۱۹
 ار ۱۶:۲۰
 حز ۴۸:۱۶

۸:۴
 مز ۵:۱۰
 مراثی ۱۰:۵

۹:۴
 لاو ۳۹:۲۶

۱۰:۴
 تث ۵۵-۵۳:۲۸
 پاد ۳۰-۲۶:۶

۱۱:۴
 تث ۲۲:۳۲

۱۲:۴
 ار ۱۳:۲۱

۱۳:۴
 ار ۳۰:۲؛ ۲۶:۹ و ۲۶:۹

^{۱۴} این اشخاص اینک کورمال کورمال در کوچه‌ها راه می‌روند و کسی به آنها نزدیک نمی‌شود، زیرا به خون بی‌گناهان آلوده هستند. ^{۱۵} مردم فریاد کرده به ایشان می‌گویند: «دور شوید! به ما دست نزنید، چون نجس هستید!» پس سرگردان شده، از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌روند ولی هیچ مملکتی به ایشان جا نمی‌دهد. ^{۱۶} خود خداوند ایشان را اینچنین سرگردان کرده است و دیگر به ایشان توجه نمی‌کند. کاهنان و بزرگان عزت و احترام خود را از دست داده‌اند.

^{۱۷} از برجهای دیده‌بانی خود نگرستیم تا از قوم هم‌پیمان ما کمکی برسد، ولی انتظار ما بیهوده بود؛ چشمان ما از انتظار تار شد اما آنها به یاری ما نیامدند. ^{۱۸} دشمنان چنان عرصه را بر ما تنگ کرده بودند که حتی نمی‌توانستیم در کوچه‌ها راه برویم. امیدی برای ما نمانده بود و نابودی ما نزدیک بود. ^{۱۹} آنها از عقاب نیز تیزروتر بودند. به کوه‌ها فرار کردیم، اما ما را پیدا کردند؛ به صحرا پناه بردیم ولی در آنجا نیز در کمین ما نشسته بودند.

^{۲۰} پادشاه برگزیده خداوند که حافظ جان ما بود، در دام ایشان گرفتار شد، کسی که گمان می‌کردیم زیر سایه‌اش می‌توانیم از گزند دشمنان در امان باشیم! ^{۲۱} ای اهالی ادوم و عوص، تا می‌توانید شادی کنید! چون دیگر وقت شادی نخواهید داشت چرا که شما نیز طعم غضب خدا را خواهید چشید و خوار خواهید شد.

^{۲۲} ای اورشلیم، دوران تبعید تو بزودی تمام خواهد شد، زیرا تو جزای گناه خود را داده‌ای. ولی ای ادوم، خدا گناه تو را بر ملا ساخته، تو را مجازات خواهد کرد.

۱۴:۴

تث ۲۸:۲۸ و ۲۹

اش ۲۹:۱۰؛ ۵۶:۱۰

۱۰:۹ و ۹

۱۵:۴

لاو ۱۳:۴۵ و ۴۶

ار ۵:۴۵

۱۶:۴

اش ۱۴:۹-۱۶

ار ۲۴:۵۲-۲۷

۱۷:۴

ار ۳۷:۷

مرثی ۱:۷

جز ۲۹:۱۶

۱۹:۴

تث ۲۸:۴۹

ار ۱۳:۴

۲۰:۴

ار ۵:۳۹

جز ۱۲:۱۳ و ۱۳

دان ۱۲:۴

۲۱:۴

اش ۷:۳۴

عا ۱۱:۱

۲۲:۴

اش ۲:۴۰

ار ۱۰:۴۹

ارمیا گوش فرا دهد، به انبیای دروغین گوش داد. مردم نیز تصمیم گرفتند تا از پادشاه خود پیروی کنند و به او اعتماد نمایند (۲ تواریخ ۳۶:۱۱-۲۳). ایشان به پناهگاهی ناامن توسل جستند و از وضع خود راضی بودند؛ می‌خواستند احساس امنیت کنند، نه اینکه از رهنمودهای خدا که به زبان ارمیا بیان می‌شد، تبعیت کنند. اما منبع اصلی اطمینان ایشان که صدقیای پادشاه بود، به تبعید رفت.

۲۱:۴-۲۲ ادوم دشمن دیرینه یهودا بود، گرچه هر دو از تبار اسحاق بودند (رش. پیدایش ۲۵:۱۹-۲۶؛ ۱:۳۶). ادوم فعلا نه به بابل برای محاصره اورشلیم کمک کرد. از این رو، نبوکدنصر زمینهای حاشیه یهودا را به ایشان بخشید. ارمیا گفت که ادومی‌ها به‌خاطر خیانت به برادران خود، مورد داوری قرار خواهند گرفت (نیز رش. ارمیا ۷:۴۹-۲۲؛ حزقیال ۲۵:۱۲-۱۴؛ عاموس ۹:۱۲؛ عوبدیا ۱:۱-۲۱).

و انبیا می‌بایست بیش از هر کس دیگری مراقب باشند تا نجس نشوند و بتوانند به وظایف الهی خود عمل کنند. اما بسیاری از کاهنان و انبیا شرارت می‌ورزیدند و نجس می‌شدند. ایشان در مقام رهبران ملت الگویی بدی برای ایشان بودند و آنان را به گناه سوق دادند و سقوط نهایی ملت و اورشلیم، پایتخت مملکت را سبب گشتند.

۱۷:۴ یهودا از مصر درخواست کرد که ایشان را در جنگ با بابلی‌ها یاری دهند. مصری‌ها به یهودا امیدهای واهی دادند، زیرا در آغاز به کمک ایشان آمدند، اما سپس عقب نشستند (ارمیا ۵:۳۷-۷). ارمیا به رهبران مملکت هشدار داد که با مصر همپیمان نشوند، بلکه بر خدا توکل کنند؛ اما ایشان سخن او را نپذیرفتند.

۲۰:۴ صدقیای پادشاه گرچه پادشاه مسح‌شده خدا بود، درک روحانی و قدرت رهبری اندکی داشت. او به‌جای اینکه به خدا ایمان داشته باشد و به نبی راستین او یعنی

۵- ارمیا درخواست تفقد می کند

ای خداوند، به یاد آور که چه بر سر ما آمده است. بین چگونه رسوا شده‌ایم. سرزمین ما بدست دشمنان افتاده است و خانه‌های ما را بیگانگان تصرف کرده‌اند.^۳ ما یتیمیم؛ پدرانمان کشته و مادرانمان بیوه شده‌اند.^۴ آب خود را می‌خریم و می‌نوشیم و هیزم ما به ما فروخته می‌شود. ^۵ در زیر فشار و آزار دشمنان به ستوه آمده‌ایم و آسایش نداریم. ^۶ خود را تسلیم مصر و آشور کرده‌ایم تا نان به دست آوریم و از گرسنگی نمیریم.

^۷ پدرانمان گناه کردند و مردند، و اینک جور گناهانشان را ما می‌کشیم. ^۸ تو کران دیروزمان، اربابان امروزمان شده‌اند و کسی نیست که ما را از دست آنها نجات دهد. ^۹ برای یک لقمه نان، در بیابانها جانمان را به خطر می‌اندازیم. ^{۱۰} از شدت گرسنگی در تب می‌سوزیم و پوست بدنمان مثل تنور داغ شده است. ^{۱۱} زنان و دختران ما را در یهودا بی‌عصمت کرده‌اند. ^{۱۲} رهبرانمان را به دار کشیده‌اند و ریش سفیدانمان را بی‌حرمت نموده‌اند. ^{۱۳} جوانان ما را مانند غلامان، در آسیاب به کارهای سخت وامی‌دارند و کودکان ما زیر بارهای سنگین هیزم، افتان و خیزان راه می‌روند.

^{۱۴} پیران ما دیگر در کنار دروازه‌های شهر نمی‌نشینند؛ جوانان ما دیگر نمی‌رقصند و آواز نمی‌خوانند. ^{۱۵} شادی دل‌های ما رفته و رقص ما به ماتم تبدیل شده است. ^{۱۶} اوای بر ما که گناه کرده‌ایم و شکوه و جلال خود را از دست داده‌ایم. ^{۱۷} دل‌هایمان بی‌تاب و چشمانمان تار شده‌اند، ^{۱۸} زیرا خانه خدا ویران گشته و پناهگاه شغالها شده است.

^{۱۹} ای خداوند، تو تا ابد باقی هستی و تخت سلطنت تو بی‌زوال است. ^{۲۰} مدت مدیدی است که تو ما را ترک کرده‌ای و دیگر ما را به یاد نمی‌آوری. ^{۲۱} و ای خداوند، آیا تو ما را بکلی طرد کرده‌ای و تا ابد بر ما غضبناک خواهی بود؟ اگر چنین نیست، پس ما را بسوی خود بازگردان و شکوه دوران گذشته ما را به ما باز ده.

۲:۵
اش ۷:۱
هو ۸:۷ و ۸
۳:۵
ار ۸:۱۵؛ ۱۸:۲۱
۴:۵
اش ۱:۳
۷:۵
ار ۲۰:۱۴؛ ۱۲:۱۶
۹:۵
ار ۹:۴۰-۱۲
۱۱:۵
اش ۱۳:۱۶
زک ۲:۱۴
۱۲:۵
اش ۶:۴۷
مراثی ۱۶:۴
۱۴:۵
اش ۸:۲۴
ار ۳۴:۷
۱۵:۵
ار ۱۰:۲۵
۱۷:۵
ایو ۷:۱۷
مز ۷:۶
۱۹:۵
مز ۶:۴۵
۲۰:۵
مز ۲۴:۴۴؛ ۱:۱۳
۲۱:۵
ار ۱۸:۳۱

سرانجام دچار رنج خواهد شد. کتاب مراثی تصویر رنج‌های شدید مردم اورشلیم را بیان می‌دارد که زمانی بر ایشان عارض شد که در ورطه گناه افتادند و خدا روی خود را از ایشان برگردانید. خدا گرچه از ایشان روی بر تافته بود، اما آنان را به کلی رها نکرده بود؛ امید بزرگ ایشان همین بود. با وجود گذشته گناه‌آلودشان، خدا از آنان تفقد به‌عمل خواهد آورد، به شرط اینکه به‌سوی او باز گردند. جز در خداوند امید دیگری نیست. بنابراین، رنج ما باید ما را به‌سوی او باز گرداند، نه آنکه از او دور سازد.

۱:۵ باب ایماندار واقعی پس از آنکه اندوه کامل خود را به خدا ابراز داشت، باید در دعا به‌سوی خدا بازگشت کند. در اینجا ارمیا دعا می‌کند تا خدا بر قومش رحمت فرماید. او در پایان دعای خود پرسید: «آیا... تا ابد بر ما غضبناک خواهی بود؟» خدا همیشه نسبت به آنان غضبناک نخواهد بود، چنانکه در میکاه ۷:۱۸ فرموده است: «تو... تا ابد خشمگین نمی‌مانی، چون دوست داری رحم کنی.»

۲۲:۵ وقتی انسان دعوتی بزرگ از خدا دریافت می‌دارد، اما در زندگی عملی خود آن را نادیده می‌گیرد،